

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند :

خداوند مومن ناتوانی را که دین ندارد دشمن می دارد . عرض شد کدامین مومن است که دین ندارد؟ فرمودند کسی که نهی از منکر نمی کند .



مهارت های امر به معروف و نهی از منکر

✓ مطالب ذیل با اندکی تغییر از کتاب معجزه تذکر زبانی، نوشته محمد رضا اکبری در رابطه با مهارتهای امر به معروف و نهی از منکر، تهیه گشته است.

با توجه به اهمیتی که برای الفاظ امر و نهی دینی وجود دارد، به ویژگی های آنها می پردازیم تا با رعایت آنها درصد موفقیت امر و نهی کنندگان دینی بالاتر رود.

۱. شیوایی

جمله شیوا جمله ای رسا؛ فصیح و روان است و چون تذکر به دیگران با صفت شیوایی همراه باشد نزد مخاطب دلنشین تر و تاثیر گذار تر است.

امر به معروف باید به راحتی فهمیده شود و از هر گونه پیچیدگی، نامفهومی و کلمات نامأنوس و جمله بندی های ناقص و ثقیل به دور باشد به گونه ای که گنجهکار با سهولت و سرعت محتوای آن را درک کند به ویژه اینکه فرصت امر و نهی بیش از چند لحظه نباشد نظیر اینکه در طول چند لحظه ای که از کنار یک راننده بی نظم می گذریم بگوییم: با رانندگی خود آرامش مردم را به هم زن.

۲. صراحت

جمله صریح، جمله ای است که از وضوح و روشنی لازم برخوردار باشد. امر به معروف باید صریح بیان شود، به گونه ای که گنجهکار به راحتی منظور تذکر دهنده را بفهمد و دچار برداشت غلط نگردد. در پرده بیان کردن امر و نهی دینی فهم آن را دشوار کرده و گاهی سخن را چند پهلو می کند به گونه ای که برداشت های مختلفی از آن می شود، نتیجه چنین سخنی آن می شود که وظیفه انجام نگرفته و ارشادی صورت نپذیرفته باشد البته صراحت در محتوا غیر از صراحت در بیان است و در مجموع باید به گونه ای تذکر دهیم که مخاطب سخن و هدف ما را به خوبی بفهمد.

۳. متانت

امر و نهی دینی باید متین یعنی محکم و استوار باشد و ضعف و سستی در آن راه نداشته باشد. وقتی کلمات ارشادی با وقار و ثبات لازم همراه باشد درصد اعتماد و پذیرش را بالا می برد پس اگر به کسی که دیگران را

مسخره می کند بگوییم: یک انسان با شخصیت دیگران را مسخره نمی کند با این جمله که بگوییم: «بیمزگی نکن» تفاوت بسیار دارد.

۴. جدیت

الفاظ تذکر باید جدی و به دور از هر گونه شوخی و تسامح باشد در غیر این صورت مخاطب آنها را جدی نخواهد گرفت و امر و نهی دینی صورت نخواهد پذیرفت. نمونه جدی تذکر این است که به کسی که تکبر می ورزد بگوییم: خداوند انسانهای متکبر را دوست ندارد پس تو هم متکبر نباش.

۵. اختصار

تذکر باید مفید و مختصر باشد و در چند کلمه گویا و شفاف، امر و نهی دینی به گنجهکار ابلاغ شود. مثلاً به کسی که با بوق های نابهنگام خود دیگران را می ترساند و یا با سرعت بیش از حد خود عابران پیاده را به وحشت می اندازد با استفاده از کمترین فرصت بگوییم: ترساندن دیگران حدام است. البته، در برخی موارد که امکان و زمینه و شرایط توضیح لازم و مفید وجود دارد اختصار لازم نیست.

۶. اعتدال

کلمات و جمله بندی های امر و نهی دینی باید از هرگونه افراط و تفریط و بزرگ و کوچک کردن گناه به دور باشد، مکروه را حرام جلوه ندهیم، معصیت کوچک را معصیت کبیره معرفی نکنیم و معصیت بزرگ را گناه کوچک نشان ندهیم و خلاصه، بدی و زشتی و قبح گناه را به همان اندازه که در شرع اسلام وارد شده است بیان کنیم، نه کم نه زیاد.

۷. سلامت

الفاظ و جمله های تذکر باید سالم و صالح باشد و از آفاتی چون نیش زدن، تحقیر، توهین و فحش و هرگونه بدگویی دیگران برکنار باشد تا وظیفه ی دینی انجام گیرد و آمر به معروف در حرکات اصلاحی خود پیروز شود. امیرالمومنین (ع) فرمود: من حسن کلامه کان النجح امامه (۱)

کسی که سخنش نیکو باشد پیروزی در پیش روی اوست .

سخنان آفت مند تأثیری ندارند و چه بسا جزو گناهان به حساب آیند. با گناه هم نمی شود خدا را اطاعت کرد و هم نمی توان گناهکاری را هدایت کرد، بلکه سخنان آفت مند می تواند گنهکار را در موضع بدتری قرار دهد. تذکر دهنده اگر چه از گناه و گنهکار ناراحت است اما نباید برای خنک کردن دل خود توهین کند و ناسزا گوید زیرا ما به دنبال اصلاح دیگران هستیم و نه خنک کردن دل خود. دل مومن در آخرت خنک خواهد شد و این تقدیری است که رقم خورده است .

۸. عطوفت

کلمات مورد استفاده در امر و نهی دینی باید به مهربانی آراسته باشند. استفاده از کلماتی نظیر برادرم، خواهرم و امثال آنکه نماد عطوفت و نزدیکی با مخاطب است، امر و نهی کننده را به امر و نهی شونده نزدیک می سازند و این نزدیکی میزان پذیرش را بالاتر می بردند.

ادبیات امر و نهی می تواند به نوعی با مهربانی همراه باشد البته لحاظ این ویژگی همیشگی نیست و گاهی غلظت و درستی واجب می گردد اما اصل بر این است که در ارشاد دیگران مهربان باشیم و بدی های آنها را با خوبی پاسخ دهیم. مبادا بدی آنها، ما را به بدی بکشاند که کار الهی ما را ضعیف خواهد کرد. رفتار خوب ما در برابر بدی های دیگران تکانی روحی به آنهاست، ضمن اینکه پاداش بزرگی را برای تذکر دهنده به همراه دارد.

مردی به پیامبر(ص) عرض کرد: یا رسول الله، من اقوامی دارم که با آنها صله ی ارحام می کنم اما آنها با من قطع رابطه کرده اند. من به آنها احسان می کنم اما آنها با من بد رفتاری می کنند، من بر بدی های آنها حلم می ورزم اما آنها بر من جهالت میکنند. حضرت فرمود: اگر آنگونه باشی که می گویی گویا رنج و ناراحتی که از برخورد خوب تو به آنها می رسد دردناکتر است و تا تو در چنین حالی باشی خداوند پشتیبان تو خواهد بود.(۲) <http://kh-setadehya.ir/cp/ebook/editor/editor.asp>

۹. اکرام

احترام به گنهکار باید در الفاظ و ادبیات امر و نهی دینی مورد توجه قرار گیرد و به تعبیر دیگر، ادبیات امر به معروف باید محترمانه باشد به گونه ای که گنهکار این ویژگی را احساس نماید و زمینه پذیرش در او تقویت گردد. نظیر این که به خانمی که پوشش دینی را مراعات نکرده است گفته شود: شما خانم محترمی هستید اما پوشش شما بر خلاف احکام اسلام و رضایت خداوند است. مراعات بفرمایید و خود را بیوشانید . البته اشاره به

این نکته لازم است که احترام به گنهکار نظیر احترام به صاحبان علم و فضیلت نیست که شخصیت آنها بخاطر ارزش هایی که دارند قابل تکریم است بلکه از آن جهت که گنهکارند مورد مذمت هستند اما بخاطر موفقیت در تذکر خود به آنها احترام می گذاریم هر چند ذاتاً استحقاق چنین اکرامی را نداشته باشند .

از آنجایی که بحث احترام و بی احترامی به گنهکار از مباحث مهم امر به معروف و نهی از منکر است مطالب بیشتری را در این باره ارائه می دهیم .

احترام به گنهکار از عوامل موفقیت عرصه امر و نهی دینی است و او را از لجاجت و عصبی شدن دور کرده و درجه ی پذیرش او را بالا می برد، زیرا امر و نهی دینی درعین حال که یک حرکت مثبت و متعالی است در مواردی این ذهنیت را برای گنهکار پدید می آورد که مبادا تذکر دهنده قصد توهین و تحقیر او را دارد اما با احترامی که به او می گذارد این ذهنیت منفی از میان می رود .

ذهنیت دیگری برای گنهکار مطرح است و آن اینکه تذکر دهنده او را گنهکاری بیش نمیداند پس برای من شخصیتی قائل نیست. اما وقتی مشاهده می کند حرمت او بطور کامل حفظ شده است، سوء ظن احتمالی او به حسن ظن تبدیل می گردد. نکته روانشناختی دیگری وجود دارد و آن این است که احترام به گنهکار موجب می شود احساس شخصیت کند و این احساس زمینه خوبی برای پذیرش تذکر است، زیرا کسانی که احساس شخصیت نمیکنند حق پذیری در آنها ضعیف و با تعلل و تاخیر و بهانه جویی همراه است و چه بسا کار آنها به استهزاء امر و نهی و آمر و ناهی کشیده شود. البته نباید احترام به گنهکار با اغراق همراه باشد و از حالت طبیعی خارج گردد زیرا در این صورت تذکر دهنده در ذهن گنهکار زیر سوال می رود و در نتیجه پذیرش او ضعیف می گردد .

احترام به گنهکار این است که با اخلاق اسلامی و رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هر گونه بد رفتاری و بد گفتاری با او روبرو شویم اما عده ای به جای آن با طرح مسائل غیر واقعی شخصیت دروغین را از گنهکار به او ارائه می دهند. استفاده از عناوینی مانند «شما از سرمایه های اسلام هستید» «اسلام به وجود شما نیازمند است» «شما از افتخارات کشور به شمار میروید» و آنچه که گنهکار از آن تعجب می کند و خود را در آن جایگاه نمیبیند، نه تنها تاثیر مثبتی ندارد بلکه از تاثیر منفی هم برخوردار می باشد. البته گاهی از این تعریف ها نسبت به افراد خاص و محدودی مبالغه به حساب نمی آید که در این صورت استفاده از آنها می تواند سودمند باشد .

آنچه که باید از سوی تذکر دهنده انجام گیرد احترام بدون افراط و تفریط به گنهکار است و احترام ما نباید به خضوع و تواضع بیش از حد در برابر او منتهی شود و گرفتار مداهنه گردیم. مداهنه که اسلام از آن نهی کرده است، همان چرب زبانی، تملق داشتن روابط بسیار خوب و عادی با کسی است که بی پروا گناه می کند .

بنابر آنچه بیان گردید، رفتار ما با گنهکار باید معقول باشد نه توهین کنیم و نه راه مداهنه را پیش گیریم زیرا مداهنه نوعی تایید گنهکار است و او را در انجام گناه جسورتر می سازد و توهین ما او را بر سر لجاجت آورده

و بر جسارت او در ارتکاب گناه می افزاید .

خطا کاران در یک جایگاه منفی دینی و اجتماعی قرار دارند، از این رو به نوع نگاه دیگران به خود حساسند. حال اگر کسی به آنها اهانت کند این حساسیت بیشتر شده و واکنش مضاعفی را به همراه دارد و نتیجه امر و نهی دینی را که تاثیر مثبت در رعایت تقواست، از میان می برد. اما احترام به آنها با توجه به جایگاه منفی که دارند آنها را به استقبال بهتری از امر و نهی دینی سوق می دهد، ضمن اینکه توهین و بی حرمتی به دیگران، از شأن آمران به معروف و ناهیان از منکر که در مسیر پاک پیامبران الهی حرکت می کنند به دور است و بلکه منکری است که باید از آن پرهیز نمود .

۱۰. آداب ارتباط با گنهکار

امر به معروف و نهی از منکر مثل بسیاری از امور دیگر دارای ادبیات روانشناسی و فرهنگ و شیوه های خاص خود است که اگر کسی آنها را مورد توجه قرار دهد به موفقیت می رسد. کسی که تصمیم می گیرد امر به معروف کند با توکل بر خدا به سوی گنهکار می رود و به او سلام می کند. سلام کلید ارتباط و گفتگوست و وقتی باسلام ارتباط برقرار گردید بخشی از ماموریت انجام گرفته و راه برای ادامه ی کار گشوده می گردد. مثلا می گوید: این دستور خداست که مردم از تحقیر یکدیگر پرهیزند و شما هم این کار را ترک کنید.

۱۱. موضع گیری های گنهکار

پس از تذکر، سه موضع گیری از سوی گنهکار میتواند بروز کند:

الف- پذیرش

در این صورت شایسته است او را دعا کند نظیر آنکه بگوید: از پذیرش شما سپاسگذارم خداوند شما را از خوبان و پرهیزکاران قرار دهد و یا امیدوارم همیشه در انجام این وظیفه موفق باشید و یا امیدوارم برای همیشه از این گناه دوری کنید دعا به گنهکار سه ویژگی مثبت را به همراه دارد ۱- کمک بیشتر خداوند ۲- اثبات صداقت صمیمیت امر نهی کننده ۳- تاثیر بیشتر تذکر .

دعا کردن همیشه پس از تذکر نیست بلکه می تواند پیش از پذیرش گنهکار باشد نظیر اینکه پس از امر و نهی دینی بگوید: امیدوارم این سخن من که برای رضای خدا عرض کردم در دل شما اثر داشته باشد و یک خوبی به خوبی های شما افزوده گردد و یا بگوید: از خدا می خواهم سخن مرا در دل شما موثر قرار دهد و شما را بر رعایت آن موفق بدارد آنگاه خدا را شکر گوید که توفیق این امر به معروف را نصیب او فرمود و دعا کند همواره او را در اصلاح دیگران یاری دهد.

ب: سکوت

این سکوت می تواند علامت رضایت و یا نشانه ی ناخوشنودی گنهکار باشد و در هر صورت ماموریت تذکر دهنده پایان می یابد .

البته در این موقعیت هم می توان برای تاثیر تذکر در او دعا کرد و یا خدا را بر انجام تذکر که اتمام حجت برای گنهکار است به شهادت گرفت نظیر آنکه بگوییم: ((خدایا تو شاهد باش که پیامت را به بنده ات رساندم)) این امور به تشخیص امر به معروف مربوط می شود که چگونه امر و نهی دینی خود را مدیریت کند و در چه موقعیتی چه تصمیمی بگیرد و چه بگوید چه نگوید

ج- مخالفت

شیطان در انسان گنهکار سهم دارد و حاضر نیست سهم خود را از دل او از دست بدهد از این رو القاء مخالفت می کند که یکی از وسوسه های کهنه شده ی اوست و آمر به معروف باید ضمن هدایت مخاطب، وسوسه زدایی از قلب گنهکار را هم مورد توجه قرار دهد .
در برابر این مخالفت به شهادت گرفتن خداوند به این گونه که بگوییم: ((پروردگارا من پیام تو را به بنده ات رساندم و به وظیفه ام عمل کردم)) موثر است و گنهکار را با اتمام حجت بیشتری روبرو می سازد .

موضع گیری های تذکر دهنده

چند موضع گیری در برابر مخالفت گنهکار در پیش روی ماست که به آنها اشاره می کنیم:

۱. سکوت

سکوت در برابر گنهکار در اکثر موارد ضعف به حساب می آید. زیرا گمان می کند مخالفت او صحیح و بدون پاسخ است.

۲. جواب های کلی

جواب های کلی از ندادن جواب بهتر است زیرا سکوت در برابر مخالفت گنهکار به نوعی تایید او را به همراه دارد و چه بسا او را به غرور سوق دهد اما جواب کلی نظیر اینکه پس از مخالفت او بگوییم: من به وظیفه ام عمل کردم و اکنون نوبت شماست یا بگوییم: من شما را به دستور خداوند آگاه کردم ، خود دانید یا بگوییم : به جای این مخالفت ها کمی به سخن من فکر کنید و یا بگوییم : مخالفت با امر به معروف از گناهان بزرگ است(۳) <http://kh-setadehya.ir/cp/ebook/editor/editor.asp> و یا برخی از روایات مربوط به مخالفت گنهکار را برای او بخوانیم.

۳. پاسخ های کوتاه به مخالفت ها

مخالفت با تذکر، از گناهان کبیره است زیرا مخالفت با یک اصل قرآنی و مسلم دینی است که از ضروریات اسلام به شمار می رود. البته اگر کسی اصل امر به معروف را قبول نداشته باشد، مخالف ضروری دین مسلمان نیست و ضروری دین چیزی است که همه می دانند جزء اسلام است .

- اما اگر اصل امر و نهی دینی را قبول داشته باشد و در مواردی با آن مخالفت ورزد کافر نیست بلکه فاسق می باشد و ما در اینجا به مخالفتها پاسخ می دهیم تا گنهکاران بدانند که مخالفت آنها صحیح نیست و پاسخ دارد و ما با سکوت خود آنها را تایید نمی کنیم. اما مهم ترین مخالفتها و پاسخ ها عبارتند از:
۱. آزادم (ج) بله آزادی که گناه می کنی، اگر بنده خدا بودی گناه نمی کردی.
 ۲. به شما مربوط نیست (ج) به خدا که مربوط است من دستور خدا را بیان کردم.
 ۳. دخالت نکن (ج) امر به معروف دخالت من نیست دخالت خداست.
 ۴. شما چه کاره هستید؟ (ج) فرمانبردار خدا
 ۵. مزاحم نشو. (ج) مزاحم نیستم امر خدا را اجرا می کنم.
 ۶. برو به کار خود برس. (ج) کار من همین است که خداوند به آن امر کرده است
 ۷. به خودم مربوط می شود. (ج) به خدا مربوط نمیشود؟
 ۸. لازم نیست ما را امر به معروف کنید (ج) ولی خداوند لازم می داند.
 ۹. مملکت صاحب دارد (ج) صاحب مملکت امر به معروف را واجب کرده است.
 ۱۰. گناه من یک مسئله شخصی است (ج) گناه شخصی هم مخالفت با خداست و باید ترک شود
 ۱۱. دوست دارم چنین کنم (ج) پس دین خدایی که تو را آفرید چه می شود؟
 ۱۲. ما را در یک قبر میگذارند و شما را در قبر دیگر. (ج) بله قبرها جداست اما ما نسبت به یکدیگر مسئولیم.
 ۱۳. عیسی به دین خود موسی به دین خود (ج) ولی این شعار اسلام نیست اسلام همه را مسئول یکدیگر می داند
 ۱۴. خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش. (ج) ولی رسوایی گناه بیشتر است
 ۱۵. قلبت پاک باشد (ج) گنهکار قلب پاکی ندارد.
 ۱۶. از کی تا به حال متدین شدی؟ (ج) از خدا می خواهم متدین باش.
 ۱۷. نیازی به نصیحت ندارم. (ج) کسی که خطا می کند نیازمند نصیحت است
 ۱۸. من مسلمان نیستم. (ج) بنده ی خدا که هستی، من دستور خدا را به شما گفتم.
 ۱۹. دیگران بدتر از ما هستند. (ج) بدتری دیگران مجوز گناه شما نیست.
 ۲۰. خشک نباش (ج) رعایت احکام اسلام خشکی نیست.
 ۲۱. گناه زیادی نکردم. (ج) چون گناه مخالفت با خداست کم آن هم زیاد است.

۲۲. تعصب نداشته باش (ج) چرا به دین خدا تعصب نداشته باشم
۲۳. تعصب خشک نداشته باش (ج) پایبندی به اسلام تعصب خشک نیست ، یک ارزش متعالی است .
۲۴. ما گرفتار شده ایم (ج) ولی همیشه امکان بازگشت وجود دارد و اراده ات آزاد است .
۲۵. همه مشکلات برطرف شده و تنها همین کار من مانده است ؟ (ج) هر گناهی شعله ای از آتش است که باید خاموش شود.

پی نوشت ها:

[۱] - عیون الحکم والموعظه ، ص ۴۵۶

[۲] - اصول کافی ، باب اصناف و عدل ف جلد ۱۰

[۳] - مجمع البیان ، ج ۱ ص ۳۰۱

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

واحد فرهنگی

کمیته امر به معروف و نهی از منکر (ضربان)